

پتانسیل های گاز طبیعی برای همگرایی در منطقه خلیج فارس

دریافت مقاله: ۹۰/۳/۳

پذیرش نهایی: ۹۰/۸/۲

صفحات: ۸۴-۶۳

بهادر غلامی: دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه تهران^۱

Email: gbehador@yahoo.com

حسن کامران: دانشیار جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه تهران

Email: kamran@tm.ac.ir

حسین خالدي: کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی

Email: khaledi.sarok@gmail.com

مهدی نیک سرشت: کارشناس ارشد برنامه ریزی روستایی

Email: niksereshtmehdi@yahoo.com

چکیده

آلودگی بیش از حد هوا و محیط زیست در دهه های اخیر ، باعث شده تا اکثر کشورهای جهان به مصرف انرژی های پاک روی آورند. یکی از این انرژی ها ، گاز طبیعی می باشد که به علت ویژگیهای ذاتی، به ویژه سازگاری با محیط زیست، میزان مصرف آن در جهان افزایش یافته است. منطقه خلیج فارس با دارا بودن ۴۰ درصد گاز جهان، بزرگترین دارنده گاز جهان به شمار می رود. بر این اساس هدف از این پژوهش بررسی پتانسیل های گاز طبیعی در همگرایی منطقه خلیج فارس می باشد. برای انجام این تحقیق از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده است و نتایج تحقیق بیانگر آن است که گاز طبیعی از جمله عواملی است که نقش مهمی در روابط کشورهای منطقه خلیج فارس ایفاء می کند، چرا که به همراه نفت ثروت مشترک کشورهای منطقه می باشد و همکاری در یک زمینه اقتصادی، موجب همکاری در سایر زمینه ها خواهد شد. خطوط لوله گاز با ایجاد منافع مشترک برای کشورهای که خطوط لوله گاز از آنها عبور می کند، همگرایی را در بین آنها افزایش و اختلافات سیاسی را کاهش می دهد و باعث پیشرفت و توسعه اقتصادی این کشورها خواهد گشت. مشارکت و توسعه همکاری های منطقه ای در زمینه اکتشافات، استخراج و بهره برداری از میادین گازی، علاوه بر اینکه باعث رشد و توسعه اقتصادی کشورهای منطقه می شود، بر

۱. نویسنده مسئول: تهران-خیابان وصال- کوچه آذین- دانشکده علوم جغرافیایی- گروه سیاسی

روابط سیاسی کشورهای منطقه نیز تأثیر بالقوه‌ای می‌گذارد و باعث افزایش همگرایی در منطقه می‌شود.

کلید واژگان: گاز طبیعی؛ خلیج فارس؛ خطوط لوله؛ همگرایی؛ ژئوپلیتیک

مقدمه

اکثر کشورهای جهان به دلیل محدود بودن منابع با مشکل انرژی رو به رو هستند. گاز طبیعی طی سال‌های اخیر به عنوان حاملی پاک و ارزان از اقبال بیشتری برخوردار شده است و ویژگی‌های مثبت زیست محیطی آن باعث شده تا به عروس سوخت‌های مصرفی معروف و قرن بیست و یکم را قرن گاز بنامند. چنین ویژگی‌هایی باعث افزایش مصرف گاز طبیعی و در نتیجه افزایش تقاضای روز افزون برای آن شده است. براساس آمارهای بین‌المللی در سال‌های آتی، گاز طبیعی از بیشترین تقاضا در میان سایر سوخت‌های مصرفی برخوردار خواهد بود و به عنوان یکی از متغیرهای مهم در تعاملات بین‌المللی به سرعت اهمیت ژئوپلیتیکی کسب خواهد کرد. رابرت برایس^۱ سردبیر مجله تریبون انرژی^۲ می‌گوید: «زغال سنگ انرژی برتر در قرن نوزده بوده است، نفت انرژی مسلط در قرن بیست و گاز طبیعی انرژی برتر در قرن بیست و یکم می‌باشد» (banks, ۲۰۰۷:۲). منطقه خلیج فارس که حدود ۴۱ درصد از کل ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد اهمیت ژئوپلیتیکی مهمی در تامین گاز مورد نیاز جهان دارد. این منطقه با دارا بودن ۷۵/۰۹ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی بزرگترین ذخایر گاز جهان را در خود جای داده است. به علت افزایش مصرف و تقاضای روز افزون برای گاز طبیعی، وجود این ذخایر عظیم در منطقه خلیج فارس، می‌تواند به عنوان عامل مهمی برای همگرایی بیشتر در منطقه به شمار رود. خطوط لوله انتقال گاز در منطقه، فروش گاز و همکاری‌های اقتصادی در بخش‌های اکتشاف و بهره‌برداری از میادین گازی زمینه ساز ایجاد فرصت‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی شده است. با توجه به اینکه بزرگترین ذخایر گاز جهان در خلیج فارس قرار دارد همکاری بین این کشورها در انتقال، اکتشاف و بهره‌برداری از گاز علاوه بر تأمین گاز کشورهای واردکننده گاز در منطقه، درآمد قابل توجهی را نصیب آنها نموده و بستری مناسب برای رفع بحران‌های منطقه و افزایش همکاری‌ها در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی،

^۱. Robert Bryce

^۲. Energy Tribune

امنیتی و ... خواهد بود. بطور کلی ذخایر عظیم گاز طبیعی می تواند در ایجاد فرصت های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در منطقه نقش مهمی ایفاء کند.

روش تحقیق

در این تحقیق مساله اصلی این است که گاز طبیعی چه پتانسیل هایی برای ایجاد همگرایی در بین کشورهای منطقه خلیج فارس دارد؟ بر اساس مطالعات اولیه این فرضیه شکل گرفت که: "همکاری در بخش گاز طبیعی باعث افزایش روابط کشورهای منطقه خلیج فارس در زمینه های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ... خواهد شد و در نهایت موجب همگرایی بیشتر در منطقه می شود." اطلاعات و آمار مورد نیاز جهت انجام تحقیق با استفاده از روش کتابخانه ای و اینترنتی گردآوری شده است و سعی شده تا از جدیدترین و معتبرترین اطلاعات آماری استفاده شود. روش مورد استفاده جهت انجام تحقیق توصیفی-تحلیلی می باشد.

موقعیت ژئوپلیتیکی و اهمیت خلیج فارس

خلیج فارس در طول تاریخ از لحاظ اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و... اهمیت فراوانی داشته است هر چند ممکن است که این اهمیت در برخی مواقع متفاوت بوده است اما هیچگاه اهمیت خود را از دست نداده است و در هر دوره ای از تاریخ به عنوان یکی از مناطق مهم جهان ایفای نقش کرده است (صفوی، ۱۳۸۵: ۷). با اهمیت یافتن اقتصاد در دهه های اخیر در نظام بین الملل، اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز به مراتب چشمگیرتر شده است زیرا خلیج فارس به مثابه شاهرگ حیات اقتصادی جهان معاصر است. (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۵۶) خلیج فارس حدود ۷۴۷/۵ میلیارد بشکه از کل ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد که برابر با ۵۴ درصد از کل ذخایر جهان است. از طرف دیگر خلیج فارس دارای بیش از ۴۰ درصد از ذخایر جهانی گاز طبیعی نیز می باشد. بر این اساس منطقه خلیج فارس یکی از مهمترین مناطق ژئوپلیتیک جهان است. این منطقه در سده های گذشته همواره کانون رقابت قدرت های بزرگ جهانی بوده و در دهه های اخیر نیز مرکز فاجعه بارترین جنگ ها بوده است. عزتی معتقد است که در قرن بیست و یکم پنج تا شش قلمرو ژئواکونومیکی پیش بینی گردیده است که محوریت این مناطق در قرن بیست و یکم با حوزه خلیج فارس است (عزتی: ۱۳۸۳، ۶۳). بنابراین اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس به علت موقعیت استراتژیکی و وجود منابع انرژی همچنان محفوظ مانده است و تا آینده قابل پیش بینی باقی خواهد ماند (میرحیدر، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

مبانی نظری

- همگرایی

ارنست هاس، پیشگام نظریه همگرایی، همگرایی را فرایندی می نامد که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا، ترغیب می شوند تا وفاداریها، فعالیتهای سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکز جدیدی معطوف سازند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۳: ۶۶۷). همگرایی یک طیفی است که حد پایین آن اتحاد اقتصادی و حد بالای آن اتحاد سیاسی با در پیش گرفتن سیاست خارجی مشترک است (امیدی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). درباره دلایل شکل گیری همگرایی ها نظریات مختلفی ارائه شده است. از مهمترین این نظریه ها می توان به نظریه کارکردگرایی اشاره کرد. کارکردگرایان معتقدند که همکاری در یک زمینه اقتصادی منجر به همکاری در سایر زمینه ها می گردد. میترانی که از نامدارترین کارکردگرایان می باشد درباره چگونگی ایجاد رابطه همکاری معتقد است که همکاری های فنی و اقتصادی بطور خودکار زمینه را برای فراهم سازی همکاری در زمینه های دیگر پدید می آورد، وی در این زمینه فرضیه تسری را مطرح می کند. منظور او این است که یک همکاری موجب سرایت به زمینه های دیگر همکاری می شود (سیف زاده، ۱۳۸۱: ۱۳۴-۱۳۲). نظریه نیازها و وابستگی متقابل معتقد است که روابط و نیازهای متقابل ملت ها و کشور ها در زمینه های گوناگون امری بدیهی است و باعث افزایش چشمگیر ارتباطات بین ملت ها و دولت ها و وابستگی متقابل آنها می گردد (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۱۱۲). به طور کلی شکل گیری فرایند همگرایی مستلزم وجود زمینه ها و عوامل مختلفی است که عمده آنها به شرح ذیل است:

- ویژگی ها و ارزش های مشترک جغرافیایی، تاریخی، تمدنی، فرهنگی، زبانی، دینی و ...
- تهدیدات مشترک اعم از امنیتی، نظامی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره.
- کارکردها و علائق مشترک. مانند اوپک برای تولید کنندگان نفت.
- نیازهای متقابل و وابستگی دو یا چند جانبه در حوزه های گوناگون
- وحدت طبیعی و جغرافیایی و برخورداری از واحد های جغرافیایی متمایز و یکپارچه
- روابط عاطفی و سیاسی رهبران کشورها (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۹-۳۷۸، ۱۳۷۹: ۵۸). در واقع انگیزه اصلی حرکت کشور ها به سمت همگرایی دستیابی به اهدافی می باشد که به تنهایی توانایی دست یافتن به آنها را ندارند. بر اساس نوشته های پراتون « منطقه گرایی نه فقط دلالت برافزایش فعالیت بین کشورهایی دارد که از نظر جغرافیایی در یک منطقه قرار دارند بلکه یک نوع تشدید فعالیتهای بین المللی در میان آنهاست که در نتیجه فعالیت های اقتصادی در سطح

منطقه ای و در یک محدوده جغرافیایی به طور شتابانی سازماندهی می شوند.» (نجار زاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۶۸). روی آوردن به ترتیبات تجاری و همگرایی های اقتصادی - منطقه ای می تواند یکی از راه های مقابله با فرایند جهانی شدن باشد و اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه را در مقابل رقابت جهانی حفظ کند (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۱: ۷۹).

- ژئوپلیتیک گاز طبیعی

بیشتر کارشناسان انرژی و اقتصاد بر این باورند که بهره گیری بیشتر و گسترده تر از گاز طبیعی از ملزومات توسعه پایدار به شمار می آید و این حامل انرژی به عنوان سوخت برتر در سده بیست و یکم شناخته شده است. گذشته از آن با توجه به مشکلات زیست محیطی موجود و توافق ها در زمینه حفظ محیط زیست، بی گمان تلاشهای جدی تری برای جایگزینی گاز طبیعی در سبد انرژی مصرفی جهان به عمل خواهد آمد (بهریزی فر و حاجی میرزایی، ۱۳۸۵: ۲۰۶). مصرف گاز طبیعی در جهان از صد تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۰۴ به ۱۶۳ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت و گاز طبیعی به عنوان سوخت کلیدی در تولید نیروی الکتریکی و بخش های صنعتی خواهد شد و دولت ها برای کاهش دی اکسید کربن طرح های ملی و منطقه ای جهت تشویق کردن استفاده از گاز طبیعی به عنوان جایگزین نفت و زغال سنگ ارائه می دهند (۳۹: ۲۰۰۷، International Energy outlook). روند رو به رشد مصرف گاز در میان جامعه های مختلف، به همراه رشد روزافزون صنایع در دنیا و نیاز شدید به انرژی و اجرای طرح های بزرگ منطقه ای و بین المللی، گاز را به عنوان یکی از متغیرهای مهم در صحنه سیاست بین الملل در آورده است. گاز طبیعی سرعت اهمیت ژئوپلیتیکی کسب می کند و از یک سوخت مصرفی حاشیه ای در بازارهای منطقه ای به یک سوختی که در فواصل زیادی منتقل و در بخش های مختلف اقتصادی مصرف می شود، رشد کرده است. پیش بینی می شود، در بسیاری از صنایع اقتصادی بزرگ از نفت سبقت گیرد. در حقیقت گاز طبیعی برای اقتصاد مدرن یک نیروی تازه در مورد امنیت انرژی می باشد (Hartly & Kenneth, ۲۰۰۵: ۵).

ژئوپلیتیک گاز طبیعی به نقش تعیین کننده گاز طبیعی در شکل دادن روابط اقتصادی، سیاسی و استراتژیک میان کشور ها اشاره دارد و اهمیت این نوع انرژی را در رقابت ها و همکاری های ژئوپلیتیکی کشور ها و تاثیر گاز طبیعی بر سیاست خارجی کشور ها را در بر می گیرد. در واقع گاز طبیعی مهره ای جغرافیایی می باشد که در روابط کشور ها نقش بی بدیلی ایفاء می کند. کشور های دارنده و صادر کننده عمده گاز جهان در این زمینه تمام کوشش خود را بکار برده اند تا منزلت خود را در ژئوپلیتیک گاز طبیعی ارتقاء دهند و بازارهای مهم مصرف

کننده گاز جهان را که مناطق توسعه یافته جهان می باشند، در دست گیرند. با توجه به اینکه گاز طبیعی بیشتر از طریق خطوط لوله و انعقاد قرارداد های بلند مدت انتقال داده می شود بنابراین بدست آوردن این بازار ها، قدرت، ثروت، توسعه، امنیت و ... را به همراه خواهد داشت.

یافته های تحقیق

- ذخایر، تولید و مصرف گاز طبیعی منطقه خلیج فارس

منطقه خلیج فارس دارای بیش از ۴۰ درصد از ذخایر گاز جهان است. این منطقه با ۷۴/۸ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی بزرگترین ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. خلیج فارس همچنین اصلی ترین صادر کننده LNG^۱ جهان است. خروجی سالانه ال.ان.جی قطر از ۴/۵ میلیون تن در سال ۲۰۰۲ به ۴۳ میلیون تن در سال ۲۰۰۹ افزایش یافته است. این مقدار عظیم صادرات، قطر را به بزرگترین صادرکننده ال.ان.جی جهان تبدیل کرده است (Blanchard, ۲۰۱۱: ۷).

جدول شماره (۱) میزان ذخایر گاز کشورهای منطقه خلیج فارس (تریلیون متر مکعب)

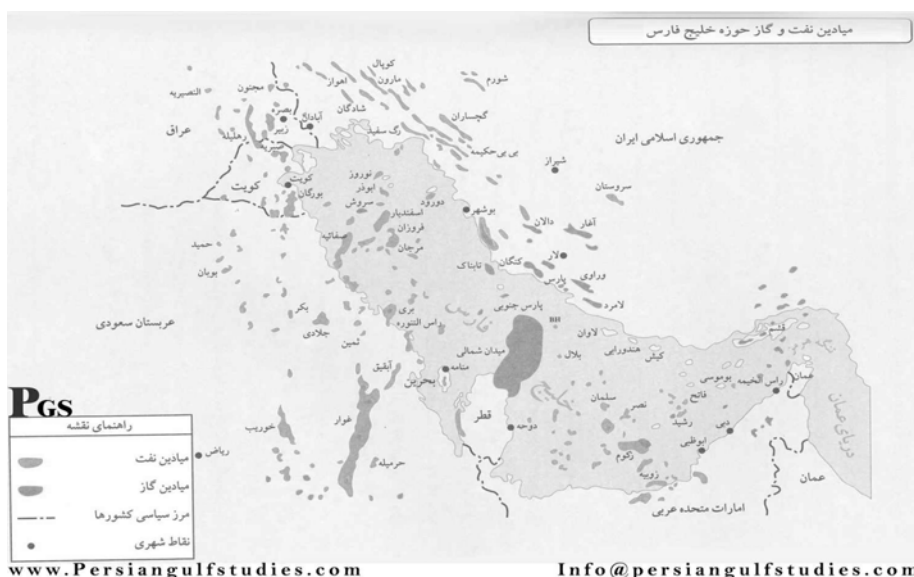
نام کشور	ایران	قطر	عربستان	امارات	عراق	کویت	عمان	بحرین
ذخایر	۲۹/۶	۲۵/۳	۸	۶	۳/۲	۱/۸	۰/۷	۰/۲
سهم از جهان	۱۵/۹	۱۳/۵	۴/۲	۳/۴	۱/۷	۱	۰/۰۵	۰/۰۰۲/۶

(BP Statistical Review of world Energy, ۲۰۱۱: ۲۰)

منطقه خلیج فارس بزرگترین میدان مستقل گازی جهان؛ یعنی، پارس جنوبی (گنبد شمالی) را نیز در خود جای داده است که بیش از ۵۰ درصد از ذخایر گاز ایران را تشکیل می دهد. با اینکه منطقه خلیج فارس بیشترین ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد اما از سطح تولید پایینی برخوردار است بطوری که با ۴۴۳/۲ میلیارد متر مکعب تولید گاز طبیعی تنها ۱۳/۹ درصد از کل تولید گاز جهان را بر عهده دارد. در این میان ایران بزرگترین تولید کننده گاز خلیج فارس و چهارمین تولید کننده گاز جهان می باشد. میزان مصرف گاز طبیعی خلیج فارس نیز در سطح پایینی قرار دارد اما در سالهای اخیر با افزایش مصرف روبرو بوده است بطوری که از ۱۴۶/۹ میلیارد مترمکعب در سال ۱۹۹۶ به ۳۴۴/۳۷ میلیارد متر مکعب در پایان سال ۲۰۱۰

^۱ .LNG (Liquied Natural Gas)

افزایش یافته است. در بین کشورهای منطقه خلیج فارس، ایران بزرگترین مصرف کننده گاز طبیعی و سومین مصرف کننده جهان به شمار می رود.



شکل (۱) نقشه پراکنش ذخایر گاز طبیعی در خلیج فارس

<http://www.persiangulfstudies.com/Fa/index.asp?p=pages&ID=۶۴۴>

– پروژه های واردات و صادرات درون منطقه ای خلیج فارس

با وجود اینکه خلیج فارس بزرگترین ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد اما بعضی از کشورهای منطقه به علت ذخایر کم و افزایش مصرف گاز، توانایی تامین گاز مورد نیاز خود را ندارند؛ بنابراین ناچارند به واردات گاز طبیعی از دیگر کشورهای منطقه همچون قطر و ایران بپردازند. قراردادهایی که در این زمینه منعقد شده است در ذیل تشریح شده اند:

۱- پروژه دلفین

کشورهای عمان و امارات متحده عربی به دلیل افزایش مصرف گاز طبیعی و جهت افزایش صادرات ال.ان.جی قراردادی را با قطر جهت واردات گاز از طریق خط لوله از میدان گنبد شمالی منعقد نموده اند که به پروژه دلفین مشهور می باشد و بزرگترین طرح گازی در منطقه خلیج فارس به شمار می رود. هدف این پروژه انتقال گاز طبیعی از قطر به کشورهای امارات متحده عربی و عمان می باشد (Energy profile of Qatar, ۲۰۰۸: ۶). در حال حاضر انتقال گاز

با ظرفیت اولیه حدود ۴۰۰ میلیون فوت مکعب در روز به شیخ‌نشین دویی صورت می‌گیرد. (ادیبی، ۱۳۸۶: ۳۸-۳۷). در سال ۲۰۰۷ عمان شروع به واردات گاز از طریق این خط لوله کرد. بر همین اساس روزانه دو میلیون فوت مکعب گاز از قطر به امارات و سرانجام از طرق فجیره و العین به عمان انتقال داده می‌شود (Country analysis briefs of Oman, ۲۰۱۱: ۵). عملیات خط لوله دلفین در ماه دسامبر ۲۰۱۰ به پایان رسید. هدفی این پروژه گسترش ارتباطات بین تأسیسات زیربنایی گاز در قطر، امارات متحده عربی و عمان همراه با ایجاد امکان ارتباط آبی با پاکستان است. ضمن اینکه قطر در این پروژه دستیابی به بازار شرق آسیا را نیز در نظر دارد.

۲- قطر و کویت

از سال ۲۰۰۸ میزان مصرف گاز طبیعی کویت بیش از میزان تولید آن بوده است. بنابراین ناچار به واردات گاز شده است. در سال ۲۰۱۰ این کشور ۲۷۰ میلیون فوت مکعب در روز ال. ان. جی عمدتاً از همسایگانش وارد کرده است (country analysis briefs of energy kuwait, ۲۰۱۱: ۹). در سال ۲۰۰۲ دو کشور قطر و کویت مذاکرات خود را برای انعقاد قرارداد صدور گاز از قطر آغاز کردند. این پروژه شامل احداث خط لوله‌ای به طول ۹۵۰ کیلومتر است که از بحرین و عربستان می‌گذرد و سرانجام به کویت می‌رسد. در فوریه سال ۲۰۰۳ این یادداشت تفاهم به قراردادی دو میلیارد دلاری برای انتقال گاز، از بندر رأس لافان قطر به الزور جنوبی در جنوب کویت منجر شد. طبق این قرارداد، از سال ۲۰۰۶ روزانه معادل ۸۰ میلیون فوت مکعب گاز از داخل این خط لوله جریان خواهد یافت (تیشه یار، ۱۳۸۵: ۵۱). اما عربستان هنوز اجازه احداث این خط لوله مستقیم را نداده است (country analysis briefs of energy kuwait, ۲۰۱۱: ۹).

۳- ایران و کویت

کویت در مارس ۲۰۰۵ قراردادی در زمینه واردات گاز طبیعی با ایران منعقد نمود. مدت زمان این قرارداد ۲۵ سال است. این واردات توسط خط لوله که ۳۵۰ مایل طول دارد، انجام خواهد گرفت. دو طرف ظاهراً در حجم گاز صادراتی (۸٫۵ میلیون متر مکعب در روز) به توافق رسیده‌اند اما در مورد قیمت هنوز این توافق صورت نگرفته است (katzman, ۲۰۱۱: ۱۰). خط لوله گاز طبیعی از میدان پارس جنوبی ایران به کویت به دلیل ملاحظات سیاسی هنوز در مرحله مقدماتی قرار دارد (country analysis briefs of energy kuwait, ۲۰۱۱: ۹).

۴- عراق و کویت

صادرات عراق به کویت در آگوست ۱۹۹۰ و در پی حمله این کشور به کویت متوقف شد. اما کویت و عراق درصدد تا دوباره خط لوله عراق به کویت را راه اندازی کنند. یک یادداشت تفاهم بین دو دولت در دسامبر ۲۰۰۴ به امضاء رسیده است. مرحله اول این پروژه شامل فقط ۳۵ میلیون فوت مکعب گاز طبیعی می باشد که از طریق خط لوله صادر می شود. در مرحله دوم میزان صدور گاز تا ۲۰۰ میلیون فوت مکعب افزایش می یابد. (, Profile Energy of Iraq EIA , ۱۱ : ۲۰۰۷) کویت در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۰ نیز قراردادی بیست ساله جهت توسعه میداین گازی المنصوریه و سیبا با عراق منعقد نمود (http://www.menann.com/index).

۴- عمان و امارات متحده عربی

در حالیکه عمان در آینده گاز طبیعی را از طریق پروژه دلفین وارد می کند اما هم اکنون حدود ۱۷۵ میلیون فوت مکعب گاز به امارات متحده عربی از طریق دو خط لوله صادر می کند (Profile Energy of Oman, EIA ۲۰۰۷).

۵- ایران و عمان

تفاهم نامه صادرات گاز ایران در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶ به امضاء وزیر وقت نفت ایران (وزیری هامانه) و وزیر صنایع و بازرگانی عمان رسید. پنج بند یاد شده در این تفاهم نامه شامل صادرات گاز ایران به عمان به میزان یک میلیارد فوت مکعب در روز، توسعه مشترک میدان هنگام، سرمایه گذاری عمان در میدانهای نفتی و گازی ایران و همچنین تأسیس شرکت مشترک ایران و عمان، به منظور سرمایه گذاری برای صادرات گاز ایران به عمان می باشد (ماهنامه ندای گاز، شماره ۴۰، ۱۳۸۶: ۱۲). در آوریل ۲۰۰۸ نیز ایران و عمان توافقنامه ای را جهت توسعه میدان کیش به امضاء رسانیدند (۱۰: ۲۰۱۰، Iran, Country analysis briefs-).

۶- ایران و امارت متحده عربی

امارات متحده عربی برای تأمین گاز مورد نیاز خود در تلاش است تا قراردادهایی را با ایران به امضاء برساند. در حال حاضر مذاکراتی بین ایران و شارجه در حال انجام است که شارجه از طریق بندر مقام و باسکولهای نفتی دریایی ایران، گاز خریداری کند. این مذاکرات از سوی شرکت ملی نفت ایران انجام می شود (بنی هاشمی، ۱۳۸۶، ۳۷).

۷- قطر و بحرین

در ژانویه سال ۲۰۰۲ توافقنامه ای بین قطر و بحرین به امضاء رسید که در این توافقنامه بحرین تمایل خود را برای خرید گاز از میدان گنبد شمالی قطر نشان داده و قراردادی را در این زمینه با این کشور انعقاد کرد (۲: ۲۰۰۷، profile Energy of Bahrain,). این قرارداد بخشی از

پروژه خط لوله انتقال گاز از قطر به کویت می‌باشد که قرار است از قطر به بحرین و سپس به عربستان و کویت کشیده شود (Alexander's Gas and Oil Connections: ۱، ۲۰۰۵: ۲).

۸- ایران و بحرین

بحرین همچنین بحث‌هایی را با ایران در زمینه واردات گاز این کشور انجام داده است. به گزارش ایسنا، عبدالله نسیم میرزا- وزیر نفت و گاز بحرین- اعلام کرد که این کشور مذاکرات خود را با ایران برای واردات گاز از طرق یک خط لوله جدید تا سال ۲۰۱۵ آغاز کرده است. (www.nigc.ir). مذاکرات انرژی دو کشور ایران و بحرین از سال ۱۳۸۵ آغاز شد و در جریان سفر ریاست جمهوری ایران به بحرین در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۷ یادداشت تفاهمی در این زمینه به امضاء رسید (جوان و حسنتاش، ۱۳۸۷: ۵).

۹- قطر و دوبی

در سال ۲۰۰۸ دوبی قرارداد بلند مدتی را با قطر برای تامین ال. ان. جی مورد نیاز خود، منعقد نموده است. در دسامبر ۲۰۱۰ برای اولین بار این امر صورت گرفت. در این قرارداد ۱۵ ساله قرار است سالانه ۱۴۶ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی جهت تامین انرژی مورد نیاز دوبی از قطر صادر شود (۶: ۲۰۱۱، country analysis briefs of energy; united arabs emirates).

گاز طبیعی و همگرایی در خلیج فارس

مهمترین محور اقتصادی گرایش به توسعه همکاری های منطقه ای در بین کشورهای خلیج فارس را می توان در ثروت مشترک آنها یعنی نفت و گاز دانست. (هاشمیان و غیبی، ۱۳۸۳: ۴۹۸). وجود ذخایر عظیم گاز در منطقه خلیج فارس به عنوان یک مزیت اقتصادی قلمداد می شود. منافع مشترک حاصل از چنین ذخایری از یک سو زمینه های همگرایی را در بین کشورهای منطقه فراهم می سازد و از سوی دیگر همکاری های اقتصادی در زمینه گاز طبیعی باعث گسترش روابط سیاسی، افزایش ضریب امنیتی و فرصت های اقتصادی در منطقه خواهد شد. با توجه به اینکه بزرگترین ذخایر گاز جهان در خلیج فارس قرار دارد همکاری و تعاون این کشورها در زمینه انتقال گاز علاوه بر تأمین نیاز کشورهای نیازمند گاز در منطقه، درآمد قابل توجهی را نصیب این کشورها نموده است و بستری بسیار مناسب برای رفع بحران های منطقه خواهد بود. بطور کلی ذخایر عظیم گاز طبیعی در ایجاد فرصت های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در منطقه نقش مهمی ایفاء می نماید بطوری که فروش آن، فرصت های اقتصادی را می آفریند و با بهره گیری بهینه از این ذخایر می توان تهدیداتی را که در اثر وجود این ذخایر ایجاد شده

است از بین برد. گاز طبیعی به وسیله عوامل ذیل می تواند زمینه ساز ایجاد فرصت های اقتصادی، سیاسی و امنیتی شود و ضریب صلح و دوستی را در بین کشورهای منطقه افزایش دهد:

– خط لوله

یکی از مناسب ترین و اقتصادی ترین روش های انتقال گاز طبیعی در حال حاضر، انتقال بوسیله خط لوله می باشد که هم اکنون قسمت اعظم انتقال گاز جهان از این طریق صورت می گیرد. بطوری که در پایان سال ۲۰۱۰ از مجموع ۹۷۵/۲۲ میلیارد متر مکعب گاز مبادله شده، ۶۷۹/۵۹ میلیارد متر مکعب آن از طریق خط لوله بوده است (Bp Statistical Review of World Energy, ۲۰۱۱: ۲۸). در منطقه خلیج فارس نیز هرچند که هم اکنون خطوط لوله گازی بین مرزی، به ندرت وجود دارد اما قراردادهای عمده ای بین کشورهای منطقه جهت انتقال گاز از طریق خط لوله بسته شده است که بعضی از آنها اجرایی شده اند. (شکل ۲)



شکل (۲) نقشه خطوط لوله نفت و گاز در خلیج فارس منبع: www.eia.doe.gov

علاوه بر این ها احداث شبکه انتقال گاز کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز مطرح شده است. که راه اندازی این خط لوله میان اعضای این کشورها تا کنون به دلایل سیاسی و اختلافات مرزی بعضی اعضاء، همچنان بدون نتیجه مانده است. انتقال گاز از طریق خطوط لوله تأثیر بالقوه ای بر روابط بین کشورهای حاشیه خلیج فارس و امنیت آنها دارد. در حقیقت

خطوط لوله بستری برای توسعه روابط سیاسی - اقتصادی و حل اختلافات در منطقه خواهد بود. خطوط لوله بین مرزی سبب گسترش همکاری ها و روابط اقتصادی میان کشورهای ذینفع و توسعه اقتصادی کشورهای مسیر خطوط لوله و همچنین ایجاد فرصت های جدید تجاری خواهد شد (رام، ۱۳۸۶: ۱۰۱). خطوط لوله با ایجاد منافع مشترک برای کشورهای که خطوط لوله گاز از آنها عبور می کند، همگرایی را در بین آنها افزایش و کشمکشها و تنشهای سیاسی را تحت شعاع قرار می دهد. که این امر باعث ثبات اقتصادی و سیاسی در منطقه خواهد شد و زمینه مناسبی برای جذب سرمایه گذاری های خارجی را ایجاد خواهد کرد. همکاری منطقه ای و جذب سرمایه خارجی باعث کمک به شکوفایی اقتصادی منطقه خواهد شد. طرح خط لوله به عنوان یک سازمان دهنده برای ترویج همکاری های منطقه ای و واسطه اقتصادی میان کشورهای منطقه محسوب می شود که از نظر ملی و منطقه ای دستاوردهای مختلفی را برای هر یک از کشورهای مشارکت کننده در پروژه خط لوله خواهد داشت. احداث خط لوله زمینی گاز منافع مشترک برای دولت های منطقه ایجاد می کند و در نتیجه همکاری های اعضا برای پاسداری و توسعه منافع مشترک افزایش یافته و تعارضات و اختلافات سیاسی و ایدئولوژی را تحت شعاع قرار می دهد و زمینه حل و فصل تنش های دیرپا را در منطقه فراهم می آورد (ویسی، ۱۳۸۵: ۱۰۷-۱۰۵). از این جهت احداث خط انتقال نفت یا گاز از یک کشور، ضمن افزایش اعتبار استراتژیک آن کشور باعث پیوستگی امنیتی دو طرف می شود (گودرزی، ۱۳۸۸: ۱۳۴). بنابراین خطوط لوله گاز نقش قابل ملاحظه ای در بهبود روابط کشورهای منطقه دارد و زمینه های همگرایی را در منطقه افزایش و اختلافات سیاسی را کاهش خواهد داد.

- همکاریهای اقتصادی در زمینه گاز

از دیدگاه نظریه پردازان روابط بین الملل، توسعه همکاری ها و برقراری روابط اقتصادی، تجاری و حمل و نقل از روش های مناسب برای همگرایی در مناسبات بین المللی و تعمیق دوستی ایجاد صلح و ثبات در میان کشور های یک منطقه است (سجادپور و صادقی، ۱۳۸۹: ۶۷). محور اقتصادی گرایش به توسعه همکاری در منطقه خلیج فارس را می توان گاز طبیعی دانست. کشور های منطقه می توانند با بهره گیری مناسب از این منبع خدادادی، وابستگی خود را به جهان خارج کاهش و از آن در جهت رشد و توسعه اقتصادی و افزایش روابط خود بهره گیرند. گاز از جمله علل و عوامل مهمی است که نقش مهمی در روابط کشورهای منطقه با هم دارد. گسترش همکاری های اقتصادی با محوریت آن می تواند منافع کشورهای حاشیه خلیج فارس را بیش از پیش ارتقاء بخشد. مشارکت و توسعه همکاری های منطقه ای در امور

اکتشاف، استخراج و بهره برداری از مخازن گاز و طرح های سرمایه گذاری بالا دستی و پایین دستی علاوه بر اینکه باعث رشد و توسعه اقتصادی کشورهای منطقه خواهد شد بر روابط سیاسی کشورهای منطقه نیز تأثیر بالقوه ای می گذارد و می تواند به همبستگی کشورهای منطقه کمک بیشتری نماید. مزایای چنین همکاری هایی در این است که کشورهای منطقه را از رقابتهای ناسالم در بازارهای گاز طبیعی باز خواهد داشت، باعث افزایش سرمایه گذاری های خارجی در بخش گاز و از تنش هایی که از استخراج یکجانبه میداین مشترک حاصل می گردد، جلوگیری می کند و تأثیر مثبتی بر مسائل مربوط به امنیت در بین کشورهای منطقه خواهد گذاشت.

طی سال های اخیر کشورهای منطقه خلیج فارس با عقد قراردادهایی به همکاری اقتصادی در بخش گاز روی آورده اند. کشورهای ایران و عمان با انجام تفاهم نامه ای با ایجاد شرکت مشترک سرمایه گذاری به توافق رسیده اند. کویت نیز با واردات گاز از عراق آمادگی خود را برای آموزش کارگران عراق در بخش صنعت نفت و گاز و نیز سرمایه گذاری جهت بازسازی صنایع نفت این کشور اعلام کرده است. عربستان، کویت و امارات نیز شرکت گازی مشترک تأسیس می کنند. امیر نشین شارجه، یک شرکت سهامی مشترک در زمینه تولید و استخراج گاز طبیعی با سرمایه گذاری مشترک عربستان، کویت و امارات ایجاد کرده است. به گزارش شانا و به نقل از سعودی اکونومیک سروی، این شرکت سهامی مشترک که دانا گاز نام دارد با سرمایه ای بالغ بر شش میلیارد درهم امارات تأسیس شده است (روزنامه اقتصاد پویا، شنبه ۱۳۸۴/۵/۱۵). در آوریل ۲۰۰۸ نیز ایران و عمان توافقنامه ی جهت توسعه میدان گازی کیش به امضا رساندند (Country analysis briefs of Iran, ۲۰۱۰: ۱۰).

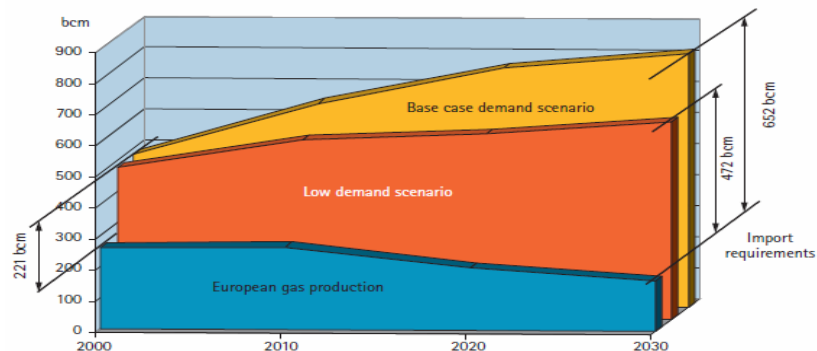
همکاری های اقتصادی دیگری نیز در زمینه گاز در بین کشورهای منطقه وجود دارد. این همکاری ها زمینه ساز افزایش روابط اقتصادی - سیاسی در بین کشورهای منطقه خواهد شد چرا که با سرمایه گذاری مشترک در صنعت گاز که مستلزم سرمایه گذاریهای عظیم می باشد و کشورهای تولید کننده گاز طبیعی منطقه به تنهایی توانایی مالی اجرای طرح های اکتشاف و تولید گاز را ندارند علاوه بر اینکه توسعه اقتصادی کشورهای منطقه را در پی خواهد داشت، باعث توسعه روابط سیاسی در بین آنها نیز خواهد شد. از سوی دیگر با توجه به نیاز بعضی از کشورهای حاشیه خلیج فارس همچون کویت، بحرین و عمان به واردات گاز طبیعی در سال های اخیر قراردادهای زیادی بین کشورهای صادر کننده و وارد کننده منطقه منعقد شده که اکثر این قراردادها بلند مدت می باشند. بر خلاف نفت، گاز بطور برجسته بوسیله قرارداد های

بلند مدت که اغلب بین ۲۰ تا ۲۵ سال مدت دارند، تجارت می شود (Darbouch, ۲۰۰۷: ۳). این قراردادهای امنیت را برای طرفین درگیر این صنعت تأمین می کند. به این صورت که برای خریداران امنیت عرضه و برای فروشندگان حداقل تضمین پرداخت، جهت پوشش هزینه های سرمایه و برای موسسات مالی وام دهند، تضمین نقدینگی پروژه و پرداخت سر رسید وام ها را در پی خواهد داشت. (رام، ۸۵:۱۳۸۶) قراردادهای زیادی در زمینه خرید و فروش گاز طبیعی در بین کشورهای منطقه منعقد شده است که اکثر این قراردادهای طولانی مدت می باشد. این قراردادهای با افزایش روابط کشورهای منطقه، صلح و دوستی را در بین آنها افزایش خواهد داد. باید توجه داشت که همان اندازه که برقراری روابط و مناسبات سیاسی و اقتصادی مثبت با کشورهای همسایه می تواند امکان صادرات گاز را بهبود بخشد، صادرات گاز نیز خود به دلیل عقد قراردادهای طولانی مدت می تواند سبب گسترش و تعمیق روابط حسنه در میان کشورهای منطقه شود (مجموعه گزارش کشور بی انرژی قطر، ۱۳:۱۳۸۴). قراردادهای فروش گاز بین کشورهای خلیج فارس در برگیرنده منافع و دستاوردهای دو سویه خواهد بود: ۱- پیوند لوله ای این کشور ها به بزرگترین منبع گازی جهان (پارس جنوبی). ۲- فاصله اندک این کشور ها با این میدان. ۳- سرمایه گذاری اندک این کشور ها در زمینه واردات و صادرات به دلیل بند قبلی. ۳- پیامدهای مثبت برای ایجاد و پایداری فضای امنیت دسته جمعی در منطقه ای بحرانی (کریمی پور، ۱۳۸۹: ۱۱). از سوی دیگر توسعه زیر ساختهای گاز و انتقال آن پرهزینه و زمان بر هستند و مستلزم سرمایه گذاریهای عظیم و پایبندی به تعهدات بین کشورهای صادر کننده و وارد کننده گاز در منطقه خواهد بود که این امر افزایش روابط اقتصادی- سیاسی آنها را در پی خواهد داشت.

- مشکلات کشورهای منطقه جهت صادرات گاز

اکثر کشورهای منطقه خلیج فارس صادر کننده گاز چه از طریق خطوط لوله و چه ال.ان.جی می باشند. کشورهای منطقه جهت صادرات گاز خود با مشکلاتی مواجه هستند که یکی از مهمترین آنها رقابت کشورهای مهم وارد کننده گاز جهان می باشد. دو منطقه آسیا (شرقی و جنوبی) و اروپا به همراه آمریکا مهمترین مناطق وارد کننده گاز جهان می باشند. پیش بینی می شود مصرف گاز طبیعی اروپا در دو دهه بعد حدود ۲ درصد در سال افزایش داشته باشد. در آمریکای شمالی انتظار می رود این افزایش به ۱/۴ درصد در سال برسد. کشورهای در حال توسعه آسیایی با رشد اقتصادی سریعی که دارند؛ انتظار می رود که افزایش تقاضای گاز طبیعی آنها به حدود ۳/۵ درصد در سال تا ۲۰۲۵ برسد (Hartly & Medlock)

(۱۴-۲۰۰۵). اروپا مهمترین منطقه ای است که به رقابت برای دستیابی به بازار گاز خلیج فارس می پردازد چرا که میزان ذخایر آن در مقابل میزان تقاضایش بسیار اندک می باشد.



شکل (۳) نمودار میزان تولید و تقاضای گاز اروپا (۲۰۰۰-۲۰۳۰) (۲۰: ۲۰۰۷ European Commission)

کشور های اروپایی هم اکنون بیشترین گاز مورد نیاز خود را از روسیه وارد می کنند که این وابستگی پیامدهای منفی ای برای آنها داشته است. تخمین زده می شود تا سال ۲۰۲۰ اروپا تقریباً ۶۰۰ میلیارد متر مکعب گاز وارد کند که حداقل نیمی از این افزایش تقاضا از روسیه تامین خواهد شد (Weafer, ۲۰۰۹: ۱). اروپایی ها به دلیل نداشتن ذخایر گازی کافی به فکر دستیابی به این منابع در سایر مناطق جهان بخصوص خلیج فارس هستند. دستیابی به بازار گاز خلیج فارس یک مزیت مهم برای اروپایی ها دارد و آن این است که وابستگی خود را در زمینه واردات گاز به روسیه کاهش دهد. هنگامی که در ژانویه ۲۰۰۶ روسیه برای تحمیل خواسته های سیاسی خود بر اکراین یا به هر دلیل دیگر جریان گاز را به اروپا قطع کرد، زنگ خطر برای این اتحادیه به صدا درآمد. این عمل در ژانویه ۲۰۰۹ نیز تکرار شد و تاییدی بر استراتژی چند وجهی کردن منابع تامین گازی از سوی این اتحادیه شد (کریمی پور، ۱۳۸۹: ۱۴). کشورهای چین، ژاپن، هند و پاکستان نیز هرکدام با انجام قراردادهای افزایش روابط اقتصادی - سیاسی خود با کشورهای حاشیه خلیج فارس در حال رقابت برای تسلط بر ذخایر گاز این منطقه هستند. به عنوان مثال ژاپن که به منابع انرژی منطقه چشم دوخته است، نگران است که کشورهای چین و هند برای تأمین انرژی مورد نیاز خود برخی از عرضه کنندگان بالقوه گاز طبیعی را به سمت خود جلب کند. از این رو ژاپن به تقویت روابط با کشورهای تولید کننده گاز طبیعی ادامه می دهد (بولتن ماهانه تحولات بازارهای نفت و گاز، ۱۳۸۶: ۲۹). نگاه چین نیز به منابع هیدروکربنی خلیج فارس و ایران، استراتژیک و دراز مدت است و تا سال ۲۰۱۵ دست کم

۷۰ درصد کل نیاز های انرژی خود را از این منطقه وارد خواهد کرد (کریمی پور، ۱۳۸۹: ۱۳). بر همین اساس یافتن کشوری که هم از گاز غنی باشد و هم منبع قابل اعتمادی برای تأمین تقاضای گاز این مناطق باشد در صدر اهداف بنیادین اقتصادی- سیاسی آنها قرار گرفته است. کشورهای صنعتی غرب و شرق که سخت محتاج به گاز طبیعی برای توسعه ی صنایع خود می باشند در رقابت شدیدی برای کنترل و تسلط بر بازار گاز خلیج فارس قرار دارند. وجود این کشورها در منطقه خود سبب ناامنی و بروز اختلافات در بین کشورهای منطقه می شود.

از طرف دیگر صادرکنندگان بزرگ گاز نیز برای دستیابی به بازار های امن، پایدار، غنی و کم هزینه، رقابتی فشرده دارند زیرا بر خلاف بازار نفت خام، به دلیل پراکنش جغرافیایی گسترده تر و نیز رشد روز افزون تولید، رقابت میان صادرکنندگان به شدت در جریان است (کریمی پور، ۱۳۸۹: ۲). این رقابت ها یکی از موانع موجود در صادرات گاز منطقه می باشد. در این میان به علت مشکلات انتقال گاز، بازارهای وارد کننده گاز نزدیک از اقبال بیشتری برخوردارند چرا که می توانند امنیت عرضه را تأمین کنند. بنابراین دو منطقه اروپا و آسیا مورد توجه می باشند. در این بین رقابت برای دستیابی به بازار گاز ترکیه از اهمیت بیشتری برخوردار است. چرا که قرار گرفتن در بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان، ترکیه را به دالان انرژی (Energy corridor) تبدیل کرده است (حسنشاه، ۱۳۸۵: ۲۱۴). آسیا نیز برای عرضه کنندگان خلیج فارس بازار اصلی است چرا که به علت رشد اقتصادی بالا، اشتیاق فزاینده ای به گاز طبیعی دارند و طی چند سال گذشته رقابت بر سر این بازار ها شدت یافته است (بهجت، ۱۳۸۱: ۶۳). هند، چین، پاکستان، ژاپن و کره جنوبی از مشتریان عمده گاز طبیعی به شمار می روند و رقابت برای به دست گرفتن بازار این کشورها شدید است زیرا تقاضای این کشورها برای گاز طبیعی در حال افزایش است (بهروزی فر، ۱۳۸۵: ۴۲).

رقابت موجود در میان قدرت های جهان برای تسلط بر منابع گاز خلیج فارس و رقابت کشور های صادر کننده منطقه برای بدست آوردن بازار های مهم با توجه به نبود سازمانی همانند اوپک و اینکه هر کشوری دنبال مشتری های مورد نظر خود است، سبب بروز مشکلات زیادی در خلیج فارس می شود. وجود چنین سازمانی و عضویت کشورهای منطقه در آن مزایای زیادی به همراه خواهد داشت که به بعضی از آنها اشاره می شود: وجود تولیدکنندگان و صادر کنندگان اصلی گاز در کارتل گازی ضمن به اجرا در آوردن سهمیه بندی تولید می تواند ورود صادر کنندگان جدید و حاشیه ای را به بازار های بین المللی محدود کند، باعث افزایش نفوذ و قدرت کشورهای غنی از گاز در اقتصاد جهانی می شود، کارتل گازی از ظرفیت بالقوه خوبی

برای اتحاد سیاسی برخوردار است. این سازمان می تواند کشورهای فعال در این عرصه را با هم هماهنگ و از ناهماهنگی بین آنها که در نهایت به زیان منافع ملی آنها خواهد بود، جلوگیری کند (سمردپی، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۲). اتخاذ یک سیاست واحد که باعث خواهد شد گاز به قیمت واقعی و اصلی خود به فروش برسد به ایجاد همگرایی منطقه ای و افزایش امنیت در منطقه می انجامد. رفع مشکلات و اختلافات در میان کشورهای عضو که در زمینه مسائل گاز وجود دارد، ممانعت از رقابت در میان کشورهای صادر کننده گاز، توسعه اقتصادی و پیشرفت صنعتی، اکتشاف و توسعه میادین گازی، رسیدن به یک آگاهی استراتژیکی در داخل گروه، جهت تعیین مقدار صادرات و قیمت گاز و موافقت با پروژه خط لوله در میان کشورهای عضو از دیگر مزیت های این سازمان می باشد..

نتیجه گیری

در آغاز سده بیست و یکم گاز طبیعی به دلیل آلاینده گی کمتر در مقایسه با سایر سوخت های فسیلی و دیگر امتیازاتی که دارد به عروس سوخت های مصرفی معروف گشته است. این انرژی به سرعت اهمیت ژئوپلیتیکی کسب می کند و از یک سوخت مصرفی حاشیه ای به سوختی که در بخش های مختلف اقتصادی مصرف می شود، رشد کرده است. در این میان، منطقه خلیج فارس با دارا بودن ۷۴/۸ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی، بزرگترین دارنده گاز جهان به شمار می رود. با این وجود، همه کشور های خلیج فارس از ذخایر زیاد گاز طبیعی برخوردار نمی باشند و برای تامین گاز مورد نیاز خود به واردات گاز از دیگر کشور های منطقه می پردازند. قراردادهای زیادی در زمینه انتقال گاز از طریق خطوط لوله در بین کشورهای منطقه بسته شده است که عمده ترین آنها پروژه دلفین می باشد. احداث خطوط لوله بین مرزی، سبب گسترش همکاری های اقتصادی، ایجاد فرصت های تجاری جدید و حل اختلافات موجود خواهد شد و با ایجاد منافع مشترک برای کشورهای که خطوط لوله گاز از آنها عبور می کند، همگرایی را در بین آنها افزایش و تعارضات و اختلافات سیاسی را تحت شعاع قرار می دهد. همکاری های اقتصادی در زمینه گاز طبیعی نیز باعث خلق فرصت های اقتصادی- سیاسی مهمی برای کشورهای منطقه می باشد چرا که گاز طبیعی از جمله عوامل مهمی می باشد که نقش مهمی در روابط کشورهای منطقه دارد. با توجه به نیاز بعضی از کشورهای منطقه همچون کویت، بحرین و عمان به واردات گاز طبیعی در سال های اخیر قراردادهای زیادی بین کشورهای صادر کننده و وارد کننده گاز منطقه بسته شده است. این قرارداد ها که بلند مدت

می‌باشند با افزایش روابط اقتصادی- سیاسی میان کشورهای منطقه، صلح و دوستی را در بین آنها افزایش خواهد داد. همکاری‌های اقتصادی در زمینه گاز علاوه بر اینکه بر همبستگی کشورهای منطقه افزوده است باعث کاهش رقابت‌های ناسالم، افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در بخش گاز و توسعه اقتصادی کشورهای منطقه خلیج فارس می‌باشد.

کشور های منطقه خلیج فارس می توانند از وجود چنین منبع با ارزشی برای توسعه و افزایش همگرایی در منطقه استفاده کنند. این کشورها جهت برخوردار شدن از مزایای خطوط لوله انتقال گاز، می‌توانند یک خط لوله سراسری جهت انتقال گاز در بین خود احداث کنند. از سویی دیگر با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران که بین دو حوزه مهم انرژی جهان یعنی خزر و خلیج فارس قرار گرفته، می‌توان از این کشور جهت اتصال این دو حوضه از طریق خطوط لوله گاز سود برد. چنانچه این خط لوله احداث شود علاوه بر اینکه نیاز کشورهای وابسته به واردات گاز همچون کویت و بحرین تأمین می‌شود می‌توان گاز را با قیمت مناسب‌تری عرضه کرد و در نهایت از امنیتی که در سایه این خط لوله در منطقه ایجاد می‌شود، برخوردار شد. گرد آمدن کشورهای منطقه خلیج فارس در چارچوب این خط لوله انتقال گاز طبیعی در منطقه با کاهش مخاطرات سیاسی و اقتصادی و افزایش همگرایی، زمینه‌ای برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای منطقه خواهد شد و توسعه و پیشرفت اقتصادی را به ارمغان خواهد آورد.

میدان های گازی مشترک زیادی نیز در منطقه خلیج فارس قرار دارند. وجود این میادین باعث ایجاد کشمکش‌ها و منازعاتی در منطقه شده و رقابت را در بین کشورهای دارنده این میادین، جهت برداشت بیشتر تشدید کرده است. این کشورها می‌توانند با ایجاد شرکتهای مشترک، جهت بهره‌برداری مشترک از این میادین به اختلافات خود پایان دهند. از این رو شایسته است که کشورهای حاشیه خلیج فارس که دارای میدان های گازی مشترک می‌باشند با نظم بخشیدن به برداشت خود از این میادین زمینه‌های رقابت را از بین ببرند و دامنه همکاری‌ها را گسترش دهند.

منابع و مآخذ

۱. ادیبی، سیامک (۱۳۸۶) نقد و بررسی برنامه ریزی در بهره برداری از میدان گازی پارس جنوبی، تهران: مجله بررسی های اقتصاد انرژی، شماره ۸، تابستان، صص: ۳۸-۳۷.

۲. آذربایجانی، کریم و طیبی، سید کمیل و کریمی، حسین (۱۳۸۱) *تعیین مناسب ترین ترتیب تجاری- منطقه ای برای اقتصاد ایران بر اساس شاخص های همگرایی و جهانی شدن*، تهران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره ۱۳، زمستان، ص: ۷۹.
۳. امیدی، علی (۱۳۸۵) *تاثیر ژئوپلیتیک در رخوت همگرایی اکو بالندگی آ.سه*. آن، تهران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره اول، بهار، ص: ۱۲۸.
۴. بهروزی فر، مرتضی و حاجی میرزایی، سید محمد علی (۱۳۸۵) *بازارهای جهانی گاز طبیعی و برنامه های صادرات گاز ایران*، تهران، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۲۲-۲۲۱، ص: ۲۰۶.
۵. بهروزی فر، مرتضی (۱۳۸۵) *هندو چین بازارهای بالقوه صادرات گاز ایران*، ماهنامه اقتصاد انرژی، شماره ۸۶-۸۵، آبان و آذر، ص: ۴۲.
۶. بهجت، جودت (۱۳۸۱) *ژئوپلیتیک گاز طبیعی در آسیا*، ترجمه ناصر تیموری خانه سری، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۸۴، تهران، ص: ۶۳.
۷. بولتن ماهانه تحولات بازارهای نفت و گاز (۱۳۸۶) سال دوم، شماره ۱۴، آذرماه، ص: ۲۹.
۸. بنی هاشمی، سیدهاشم (۱۳۸۶) *بررسی چگونگی گازرسانی به کشورهای همسایه*، تهران، ماهنامه ندای گاز، سال چهارم، شماره ۳۷، اردیبهشت، ص: ۳۷.
۹. سیف زاده، حسین (۱۳۸۱) *اصول و روابط بین الملل*، تهران: نشر میزان، صص: ۱۳۴-۱۳۲.
۱۰. تیشه یار، ماندانا (۱۳۸۵) *مجموعه گزارش کشوری انرژی کویت*، تهران، انتشارات موسسه مطالعات بین المللی انرژی، ص: ۵۱.
۱۱. جوان، افشین و حسنتاش، غلامحسین (۱۳۸۷) *چرا بحرین به گاز ایران نیاز دارد؟*، تهران، نشریه اقتصاد انرژی، شماره ۱۰۹، آذر، ص: ۵.
۱۲. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۹) *مبانی مطالعات سیاسی اجتماعی*، قم: انتشارات سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ص: ۵۸.
۱۳. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۵) *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی.
۱۴. حافظ نیا، محمد رضا و کاویانی راد مراد، (۱۳۸۳) *افق های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران، انتشارات سمت، ص: ۱۱۲.
۱۵. حسنتاش، سید غلامحسین (۱۳۸۵) *تقاضای گاز اروپا نقش ترکیه و فرصت های ایران*، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۲۴-۲۲۳، ص: ۲۱۴.
۱۶. دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۲) *نظریه های متعارض در روابط بین الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، انتشارات قومس، ص: ۶۶۷.

۱۷. رام، منصوره (۱۳۸۶) بررسی موانع موجود در یافتن بازارهای مناسب برای صادرات گاز، تهران، مجله بررسی های اقتصادی انرژی، شماره ۸، بهار، ۱۰۱-۸۵.
۱۸. روزنامه اقتصاد پویا، ۱۳۸۴/۵/۱۵.
۱۹. سجاد پور، محمد کاظم و صادقی، شمس الدین (۱۳۸۹) موقعیت ژئواکونومیک ایران و ملاحظات پیرامون صادرات گاز، تهران، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سوم، شماره ۶، بهار و تابستان، ص: ۶۷.
۲۰. سمر دپی (۱۳۸۷) سازمان کشورهای صادر کننده گاز، اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی، صص: ۱۳-۱۲.
۲۱. صفوی، سیدحیی (۱۳۸۵) خلیج فارس و جزایر ایران، تهران، نشریه سپهر، دوره پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز، ص: ۷.
۲۲. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۳) جایگاه خلیج فارس در تفکرات ژئواکونومی قرن ۲۱، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ص: ۶۳.
۲۳. کریمی پور، یدالله (۱۳۸۹) ارزیابی ژئوپلیتیک بازار های گاز طبیعی ایران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۱۹، زمستان، ۱۴-۲.
۲۴. گودرزی، مهناز (۱۳۸۸) ژئوپلیتیک انرژی در منطقه دریای مازندران (۱۹۹۱-۲۰۰۸) و اهمیت جمهوری اسلامی ایران، تهران، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۵، زمستان، ص: ۱۳۴.
۲۵. ماهنامه ندای گاز (۱۳۸۶) تهران، شماره ۴۰، مرداد ماه، ص: ۱۲.
۲۶. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۵) کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی نوری؛ تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ص: ۵۶.
۲۷. مجموعه گزارش کشوری انرژی قطر (۱۳۸۴) تهران، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
۲۸. میر حیدر، دره و عسگری، سهراب (۱۳۸۲) فلات قاره ایران در خلیج فارس: چشم انداز ژئوپلیتیک انرژی، تهران، پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۴۴، بهار، ص: ۱۰۰.
۲۹. نجار زاده، رضا و یاوری، کاظم. شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۴) همگرایی اقتصادی - منطقه ای و تاثیر آن بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی، تهران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال پنجم، شماره سوم، پاییز، ص: ۶۸.

۳۰. هاشمیان، مسعود و غیبی، اکرم (۱۳۸) امکان سنجی توسعه همگرایی در خلیج فارس"، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ص: ۴۹۸.

۳۱. ویسی، هادی (۱۳۸۵) نقد ژئواکونومی قرن ۲۱ و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: انتقال گاز ایران به هند)، استاد راهنما دکتر عزت الله عزتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، شهرپور، صص: ۱۰۷-۱۰۵.

Alexander, s. (۲۰۰۵) *gas & oil connection*, July ۶, P: ۱. Http: //www.gasandoil.com/about/about-alexanders

Blanchard, Christopher M, (۲۰۱۱) *Qatar: Background and U.S. Relations*, CRS Report for Congress, P: ۷. www.crs.gov

BP Statistical Review of world Energy, (۲۰۱۱) BP, London, PP: ۲۰-۲۸. <http://www.bp.com/productlanding.do?categoryId>

Banks, Ferdinand, (۲۰۰۷) *a long introduction to economic theory and natural gas*. The University of Uppsala, Uppsala Sweden, P:۲. <http://www.ambientediritto.it/dottrina/Politich>

EUROPEAN COMMISSION, (۲۰۰۷) Directorate-General for Research Sustainable Energy Systems, and Luxembourg: Office for Official Publications of the European Communities, P: ۲۰.

Country analysis briefs- Iran, (۲۰۱۰) Energy information administration, P: www.eia.doe.gov

Country analysis briefs- Oman, (۲۰۱۱) Energy information administration, P: ۵. www.eia.doe.gov

Country analysis briefs- united Arab emirates, (۲۰۱۱) Energy information administration, P: ۶. www.eia.doe.gov

Country analysis briefs- Kuwait, (۲۰۱۱) Energy information administration, P: ۹. www.eia.doe.gov

Calderwood, James, (۲۰۰۷) *Experts: Difficult to create gas cartel*; Associated press, April ۸.

Darbouch, hakim, (۲۰۰۷) **Russian-Algerian cooperation and the gad OPEC: what's in the pipeline?** Center for European policy studies, P: ۳. www.ceps.be

Energy profile of Bahraini, (۲۰۰۸), EIA, P: ۲. http://www.eoearth.org/article/Energy_profile_of_Bahrain

Energy profile of Iraq, (۲۰۰۷) EIA July ۲۳, P: ۱۱. http://www.Eoearth.Org/article/Energy_profile_of_Iraq

Energy profile of Oman, (۲۰۰۷) EIA. October ۱۶. http://www.eoearth.org/article/Energy_profile_of_Oman

Hartly, peter & Medlock, Kenneth B, (۲۰۰۵) **the Baker in statute word gas model**. Mar, PP: ۵-۱۴. www.bakerinstitute.org

Jafe, Amym and Victor, David G, (۲۰۰۴) **Geopolitics of Natural Gas**. Ric University. May ۲.

International Energy outlook ۲۰۰۷, (۲۰۰۸) Energy information Administration. Office of Integrated Analysis and forecasting. U.S. Department of Energy, P: ۳۹.

International Energy Agency, (۲۰۰۴). www.eia.doe.gov

Katzman, Kenneth, (۲۰۱۱) **Iran sanction**. Congressional research service, P: www.crs.gov

Weafer, chris, (۲۰۰۹) **as-opec- cooperation or confrontation?. Baltic rim economies**, P: ۱. www.tse.fi/pei

[Http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/Persian_Gulf/pdf.pdf](http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/Persian_Gulf/pdf.pdf).

[Http://www.nigc.ir/Site.aspx?ParTree=۱۱۱۸۱H۱۱&Skey=ایران,و,بحرین&LnkIdn=۳۳۵۷۷](http://www.nigc.ir/Site.aspx?ParTree=۱۱۱۸۱H۱۱&Skey=ایران,و,بحرین&LnkIdn=۳۳۵۷۷)

<http://www.persiangulfstudies.com/Fa/index.asp?p=pages&ID=۶۴۴>

<http://www.menann.com/article/kuwait-energy-optimistic-about-il-and-gas-opportunities-iraq-and-egypt>